

درخشش انسانیت

www.ketab.ir

رستم کوشان

۱۳۹۶



سرشناسه: کوشان، رستم، ۱۳۲۰ -
عنوان و نام پدیدآور: درخشش انسانیت / رستم کوشان.
مشخصات نشر: کرج: آوای آرامش، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۲۰۰ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۱۵-۹۴-۲
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
موضوع: ۲۰th century -- Persian fiction
رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۵۳۷د۴ / و PIR۸۱۸۴
رده بندی دیویی: ۳/۸۴۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۴۱۷۰۴

درخشش انسانیت

داستان‌های کوتاه در می‌سال زندگی

رستم کوشان

ویراستار: عاطفه کوشان

طراح و صفحه‌آرا: ساناز نورانی، تشکال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۱۵-۹۴-۲

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۶۵۰۰ تومان

انتشارات آوای آرامش



فهرست

ردیف	عنوان	صفحه
۱	حقیقت پنهان در زیر پوسته ی واقعیت	۹
۲	قربان تشنج	۳۴
۳	درخشش سانسیت	۵۵
۴	دام فریبا	۷۹
۵	ایثار مادر	۱۱۱
۶	مکافات عمل	۱۵۹

بنام آفریدگاری که هستی را آفرید و انسان را در چه کسی شدن

خود آزادی بخشید

تقدیم نامه

ای عاشق کردگار و ملک کهن ام

سرسبز پر از مهر و صفا هم وطن ام

این فتر عاشقانه تقدیم تو باد

بادا به دلت جای گزیند سخن ام

رستم کوشان

مقدمه:

دروذ بی پایان بر شما فرزندان پیر و جوان ایران زمین که آکنده از مهرید و سرشار از عشق که ماندگاری، جاودانگی این مرز و بوم را در زیر پرتهای آموزگارانه ی چارده معصوم پاک انسجام می بخشید. می دانم تا، آشنا با آشنای ناشناس. آگاهم که سرشار از هوشید و پر از عشق و ایثار.

پدران و مادران گرامی، معلمان و کسانی که به تربیت فرزندان این مرز و بوم اشتغال دارید. دفتری را که در قالب داستان های کوتاه پذیرفتند، تا گام به گام با شخصیت های داستانی آمیختگی پیدا کنید، محصول سرگذشت های تلخ و شیرین این نگارنده ی عاشق پیشه است که تا حدود بیشتر از نیم قرن با مردم این مرز و بوم همزیستی داشته است. نود درصد این داستانها سرگذشت

این جانب می باشند و یا سرگذشت افرادی هستند که بدور از رخدادهای حقیقی نیست.

به عنوان نمونه، به عمه ی یکی از دانش آموزان اول راهنمایی در انتهای نصیحت خود گفتم، شما را به خدا و خدا را به شما می سپارم. این جمله جنجال آفرید ولی در نهایت به نتیجه ی مثبتی رسید. مادر طلاق گرفته ی دانش آموز به آغوش دلبندهش برگشت.

در دیگر داستانی در اثر مشاجرات تشنج زای پدر و مادر، دانش آموز مهربان مادر دهست در کلاس خون بالا می آورد و راهی بیمارستان می شود. نیز در داستانی می خوانید که فرزند در اثر تحقیر مداوم پدر خود کامه رهایی خود را از سرگشایی ببند.

همچنین می خوانید در خانواده ی فقیری که پول خریدن نان خشک ندارند به گونه ای کمک مالی دریافت می-کنند که خفت نکشند.

و یا با قادری قمه کشی که بعد نوحه دارد و مغازه داران کوی و برزن را با ایجاد رعب و وحشت سر کیسه می-کنند. بارزه ی جانانه می شود و به خاک فلاکت می افتد و و و